



زن

زن مقابل مرد است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای زن
- ۲ - کاربرد زن در فقه
- ۳ - اشتراک زن و مرد در احکام
- ۴ - احکام خاص زن
 - ۴.۱ - احکام زن در طهارت
 - ۴.۲ - احکام زن در صلات
 - ۴.۳ - احکام زن در صوم
 - ۴.۴ - احکام زن در حج
 - ۴.۵ - احکام زن در جهاد
 - ۴.۶ - احکام زن در تجارت
 - ۴.۷ - احکام زن در حجر
 - ۴.۸ - احکام زن در نکاح
 - ۴.۹ - احکام زن در کفارات
 - ۴.۱۰ - احکام زن در ارث
 - ۴.۱۱ - احکام زن در قضاء
 - ۴.۱۲ - احکام زن در شهادت
 - ۴.۱۳ - احکام زن در حدود
 - ۴.۱۴ - احکام زن در قصاص
 - ۴.۱۵ - احکام زن در دیات
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

معنای زن

زن مقابل مرد و به معنای **زوجه** است.

کاربرد زن در فقه

از احکام زن به معنای نخست در بسیاری از ابواب، نظیر طهارت، صلات، صوم، حج، جهاد، تجارت، حجر، کفارات، ارث، شهادت، حدود، قصاص و دیات سخن گفته‌اند. برخی نیز درباره احکام زنان کتابی مستقل نوشته‌اند، از جمله «احکام النساء» نوشته شیخ مفید رحمه‌الله. چنان که بعضی عناوین فقهی، همچون **حیض**، **نفاس**، **استحاضه** و عده دربردارنده احکام خاص زنان می‌باشند.

اشتراک زن و مرد در احکام

زن همچون مرد، **مکلف** به تکلیفی است که از جانب **شارع مقدس** تشریح شده است و در نوع تکالیف تشریح شده، مانند **وجوب نماز**، **روزه**، **حج**، **خمس** و **زکات**، و **حرمت دروغ**، **تهمت**، **غیبت** و **زنا**، تفاوتی میان مرد و زن نیست، مگر در کیفیت و خصوصیت برخی از آنها که منشأ آن ویژگی‌های خاص هر یک از زن و مرد به لحاظ جسمی و روحی و غیر آن است. **قاعده اشتراک** از قواعد فقهی است که از جمله مفاد آن، اشتراک زن و مرد در **تکالیف** تشریحی است؛ بدین معنا که هر تکلیفی که متوجه مرد است، متوجه زن نیز هست، مگر آنکه دلیلی خاص بر استثنا وارد شده باشد.

احکام خاص زن

در ذیل به نمونه‌هایی از احکام ویژه زنان که در ابواب مختلف فقهی آمده اشاره می‌کنیم.

← احکام زن در طهارت

شرکت زنان، جز افراد مسن در تشییع جنازه مکروه است.^[۱] مستحب است نمازگزار بر جنازه زن، محاذی سینه او بایستد.^[۲] چنان که مستحب است میت زن را نزدیک قبر از طرف قبله بر زمین بگذارند و از عرض وارد قبر کنند.^[۳] در وضو، مستحب است زن شستن دستها را از باطن ذراع آغاز کند.^[۴]

← احکام زن در صلوات

اذان و اقامه بر زن همچون مرد **مستحب** است با این تفاوت که **استحباب** آن بر زن مؤکد نیست، بر خلاف مرد، چنان که برای زن به جای اذان و اقامه اکتفا به **تکبیر و شهادتین**، بلکه تنها شهادتین جایز است. بنا بر قول مشهور بر زن **واجب** است در صورت حضور مرد **نامحرم**، **اذان** و **اقامه** را آهسته بگوید.^{[۵][۶][۷][۸]} بنا بر قول مشهور، از شرایط **مودن** در اذان اعلام و نیز اذان نماز **جماعت** مردان نامحرم مرد بودن مؤذن است. برخی **قدما** اذان زن را برای مردان اجنبی نیز کافی دانسته‌اند.^{[۹][۱۰]}

جسبیده بودن پاهای زن به هم و دستها به سینه در حال **قیام** برای زن **مستحب** است.^{[۱۱][۱۲]} در رکوع، خم شدن به اندازه‌ای که دستها به زانوها برسد **واجب** است؛ لیکن برخی نسبت به زن گفته‌اند: رساندن دستها به قسمت بالای زانو (رانها) کفایت می‌کند. در مقابل، بعضی در مقدار **واجب انحنا** تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده‌اند؛ هرچند در انحنای **مستحب** گفته‌اند: **مستحب** است زن کمتر از مرد خم شود؛ یعنی به اندازه‌ای که سر انگشتان دستش به زانو برسد و کف دستهایش بر ران بالای زانو قرار گیرد.^{[۱۳][۱۴]} بر زن **مستحب** است هنگام فرود آمدن برای **سجده**، ابتدا زانوهایش را بر زمین بگذارد و پس از آن دستهایش را. در **سجده** نیز بر خلاف مرد هر دو ذراعش را بر زمین فرش کند و اعضایش را به هم بچسباند و هنگام برخاستن، راست و عمود بلند شود، بدون آنکه باسنش را بالا بیاورد.^[۱۵]

تورک در **تشهد**، بلکه دیگر حالت‌های نماز برای زن **مستحب** نیست؛ بلکه **مستحب** است زن در حال تشهد باسن خود را بر زمین بگذارد و ران و ساق پاهایش را از زمین بلند کند، به گونه‌ای که قدمها روی زمین قرار گیرد.^[۱۶]

نماز جمعه و عید فطر و قربان با وجود شرایط **وجوب** آن بر زنان **واجب** نیست.^{[۱۷][۱۸]} امامت زن برای زنان در نمازهای **واجب** و نیز نمازهای **مستحب** که خواندن آنها به جماعت مشروع است، مانند **نماز عید فطر و قربان در عصر غیبت**، بنا بر قول مشهور صحیح است. برخی **صحت امامت زن** را به نماز **مستحب** محدود کرده‌اند.^[۱۹] نماز گزاردن زن در خانه، بویژه پستو **افضل از مسجد** است.^[۲۰]

نماز از حائض و نفساء ساقط است. قضای آن نیز بر آن دو **واجب** نیست.^[۲۱] بر زن **بالغ آزاد واجب** است تمامی بدن خود را در نماز بپوشاند؛ خواه بینده‌ای باشد یا نباشد. صورت، دستها از سر انگشتان تا مچ و به قول مشهور، قدمها از سر انگشتان تا مچ پا از این حکم استثناء شده‌اند.^[۲۲]

پوشیدن **لباس زرباف** و حتی **ابریشم** خالص و نیز استفاده از **زیور** آلات برای زن در **نماز** و غیر نماز جایز است.^[۲۳]

← احکام زن در صوم

روزه از حائض و نفساء ساقط است؛ لیکن **قضای روزه** ماه **رمضان** - که در ایام **حیض و نفاس** از آنان فوت شده- **واجب** می‌باشد.^{[۲۴][۲۵][۲۶]} نشستن زن روزه دار در **آب** بنا بر قول مشهور مکروه است.^[۲۷]

← احکام زن در حج

پوشیدن لباس مخصوص **احرام** بر زن **واجب** نیست و زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو که هست **محرم** شود؛ هرچند دوخته یا بنا بر قول برخی از **حریر** باشد؛ چنان که پوشاندن سر و بنا بر قول برخی روی پا و نیز سایه قرار دادن بالای سر برای زن **محرم جایز** است.^{[۲۸][۲۹][۳۰][۳۱]} پوشاندن **صورت** با **روبند** و پوشیدن **زیور** به قصد **زینت** در حال **احرام** برای زن **حرام** است. البته داشتن زیورهایی که قبل از **احرام** به پوشیدن آنها **عادت** داشته، بدون قصد **زینت** جایز است؛ هرچند بنا بر تصریح برخی، نشان دادن آنها به مردان، حتی شوهرش **حرام** می‌باشد.^{[۳۲][۳۳]} بلند کردن صدا به تلبیه،^[۳۴] **استلام حجرالأسود**،^[۳۵] **هروله** هنگام **سعی**،^[۳۶] و **طواف**،^[۳۷] برای زن **استحباب** ندارد. زنان می‌توانند قبل از طلوع **فجر** روز **عید** از **مشعر** به سمت **منی** کوچ کرده و شبانه **جمره عقبه** را - که باید روز عید رمی شود- رمی کنند.^{[۳۸][۳۹][۴۰]} **تراشیدن سر** (حلق) اختصاص به مردان دارد و بر زنان **تقصیر** متعین است.^[۴۱]

← احکام زن در جهاد

جهاد ابتدایی بر زنان **واجب** نیست و جهاد زن- بنا بر آنچه در روایات آمده- نیکو شوهرداری کردن است.^[۴۲] در جنگ با **کفار**، **کشتن زنان و کودکان**، جز در حال ضرورت- مانند جایی که **کفار** زنان را سپر خود قرار داده یا **پیروزی** بر **کفار** متوقف بر کشتن آنها باشد- **جایز** نیست؛ هرچند در نبرد به جنگجویان کمک کنند؛^[۴۳] لیکن به **اسیری گرفتن** آنان **جایز** است.^[۴۴] از زنان کتابی **جزیه** گرفته نمی‌شود.^[۴۵] بازگرداندن و تحویل دادن زنانی که از سرزمین **کفر** به سرزمین **اسلام** هجرت کرده و اسلام آورده‌اند، به **کفار** **جایز** نیست و چنانچه بازگرداندن آنان در قرارداد آتش بس شرط شده باشد، شرط باطل و به تصریح برخی، موجب **بطان** قرارداد آتش بس نیز خواهد شد.^[۴۶]

← احکام زن در تجارت

غناي زن در **عروسی** برای زنان و گرفتن **اجرت** بر آن بنا بر قول منسوب به مشهور جایز است.^[۴۷]

← احکام زن در حجر

علاوه بر نشانه‌های **بلوغ**، مشترک میان زن و مرد، همچون رویدن موی **زهار** و خروج **منی**، بنا بر قول مشهور، بلوغ دختر با کامل شدن نه سال قمری محقق می‌شود. **حیض و بارداری کاشف** از بلوغ‌اند نه علت آن.^[۴۸]

← احکام زن در نکاح

بر زن **حرام** است خود را برای **نامحرم** بیاراید.^{[۴۹][۵۰]} **واجب** است زن تمامی بدن خود، جز **صورت** و دستها از سر انگشتان تا **مچ** را از **نامحرم** بپوشاند. در **وجوب** پوشاندن صورت و دستها از سر انگشتان تا مچ و نیز قدمها اختلاف است.^{[۵۱][۵۲]}

← احکام زن در کفارات

چیدن موها در مصیبت بر زن حرام و به قول مشهور، موجب ثبوت کفاره می‌باشد. همچنین است **خراشیدن** صورت و کندن مو.^[۵۳]

← احکام زن در ارث

ارث زن بر حسب نسبت خویشاوندی نسبی یا سببی‌ای که با میت دارد، از قبیل **مادر**، **دختر** و **زوجه**، متفاوت است. به عنوان مثال، **ارث** دختر نصف پسر و ارث **زوجه** در صورت داشتن فرزند یک هشتم است.

← احکام زن در قضاء

از شرایط **قاضی**، **مرد** بودن است. بنا بر این، زن نمی‌تواند عهده دار منصب **قضاوت** گردد.^[۵۴] زن **برزه**؛ یعنی که زنی که برای تأمین نیازهای خود از منزل بیرون می‌رود، از جهت حضور در **دادگاه** همچون مرد است؛ لیکن زن **مخدره**، که معمولاً برای انجام دادن امور خارج از منزل، خودش بیرون نمی‌رود، جهت حضور در دادگاه مجبور نمی‌شود؛ بلکه **قاضی** فرد موثقی را نزد او می‌فرستد تا بین او و مدعی **داوری** نماید یا- در موارد نیاز به **قسم**- او را قسم دهد و یا برای او **وکیل** می‌گیرند.^[۵۵]

← احکام زن در شهادت

شهادت زن در **حَقِّ اللَّهِ** مالی، همچون **خمس** و **زکات**، خواه به تنهایی یا توأم با شهادت مردان و نیز در حق **اللَّهِ** غیر مالی، مانند **حدود**، جز **زنا** و بنا بر قولی، **لواط** و **مساحقه** پذیرفته نیست. در **زنا** بنا بر قول **مشهور**، **شهادت** سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن **عادل** پذیرفته است. قول **مشهور** در **لواط** و **مساحقه** عدم پذیرش **شهادت** زن است. بر این قول ادعای **اجماع** شده است. در **ثبوت حد رجم** با شهادت زنان، اختلاف است. قول **مشهور**، ثبوت آن با شهادت سه مرد و دو زن **عادل** است. بر این قول، ادعای **اجماع** شده است. و بنا بر قول منسوب به **مشهور** یا شهادت دو مرد و چهار زن **عادل** تنها **تازیانه** ثابت می‌گردد و نه **حد رجم**.^{[۵۶][۵۷]} شهادت زنان در **حَقِّ النَّاسِ**، در مواردی که به طور معمول، مردان از آنها مطلع نمی‌شوند، مانند **ولادت**، **بکارت** و نیز **عیوب** زنان، اعم از پنهان، مانند **قرن** و آشکار، همچون **لنگی**، به تنهایی و نیز توأم با شهادت مردان پذیرفته است؛^[۵۸] لیکن در پذیرش **شهادت** آنان به تنهایی در مسئله **رضاع** اختلاف است.^[۵۹] قول **مشهور** پذیرش شهادت آنان است.^[۶۰] شهادت دو زن و یک مرد در **حَقِّ النَّاسِ**، در مواردی که مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با مسائل مالی است، مانند **دیون**، **غصب**، **عقود** معاوضی همچون **بیع**، **وصیت** به مال و جنایت موجب **دیه** از قبیل **قتل** شبه عمد و خطا، پذیرفته است. شهادت زنان در **طلاق**، **رؤیت هلال**، **وکالت**، **وصایت** و نسب بنا بر قول **مشهور** پذیرفته نیست.^[۶۱] در موارد پذیرش شهادت زنان به تنهایی، بنا بر قول **مشهور** نباید تعداد آنان کمتر از چهار نفر باشد؛ چه آنکه شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، مگر در دو مورد یکی **وصیت** به مال و دیگری **ارث** نوزادی که زنده **متولد** شده و سپس مرده است. در این دو مورد با شهادت یک زن، یک چهارم؛ دو زن، دو چهارم؛ سه زن، سه چهارم و چهار زن تمامی مال وارث ثابت می‌شود.^{[۶۲][۶۳]}

← احکام زن در حدود

زن **مرتد** چنانچه **توبه** کند، توبه‌اش پذیرفته می‌شود و اگر توبه نکند، **حد قتل** بر او جاری نمی‌گردد؛ بلکه بازداشت می‌گردد و در زندان بر او سخت گرفته می‌شود تا **توبه** کند.^[۶۴]

احکام **اشهار**، **تعبد** و تراشیدن سر بره‌کار- که در جرایم کلاهبرداری، **شهادت** به **دروغ** و **قیادت** جاری می‌شود- اختصاص به مردان دارد و زنان مشمول آن نیستند.^[۶۵]

حد مساحقه، صد تازیانه برای هر یک از دو زن است؛ خواه بنا بر **مشهور محض** باشند یا **غیرمحض**.^[۶۶] هنگام زدن **تازیانه** بر زن باید او نشسته و لباسهای وی به بدنش پیچیده باشد.^[۶۷]

← احکام زن در قصاص

مرد در قبال کشتن زن **قصاص** می‌شود، به شرط آنکه اولیای **مقتول** مابه التفاوت **دیه** زن و مرد را به **ورثه** قاتل بپردازند؛ لیکن زن در قبال کشتن مرد، بدون پرداخت مابه التفاوت **دیه** به اولیای **مقتول**، **قصاص** می‌شود.

در **قصاص** اعضا، چنانچه **دیه** عضو آسیب دیده زن کمتر از ثلث **دیه** کامل باشد، عضو مماثل مرد جانی بدون پرداخت چیزی به مرد **قصاص** می‌شود و در صورتی که در **حد ثلث** و بالاتر باشد،

قصاص عضو مرد جانی منوط به پرداخت مابه التفاوت **دیه** مرد و زن است.^[۶۸]

← احکام زن در دیات

دیه کامل زن نصف **دیه** کامل مرد است.^[۶۹] و در **دیه اعضا**، **دیه** زن در کمتر از ثلث **دیه** کامل، با **دیه** مرد برابر و در ثلث و افزون بر آن بنا بر **مشهور**، نصف **دیه** مرد خواهد بود. برخی **قدما** تنها در صورت افزون بودن بر ثلث، **دیه** زن را نصف **دیه** مرد دانسته‌اند.^[۷۰]

دیه **افضای** دختر غیر **بالغ** توسط اجنبی،^[۷۱] همچنین **دیه جنایت** بر پستانها^[۷۲] و موهای سر وی در صورتی که نرویند، **دیه کامل** است؛ اما اگر موها برویند، بر جانی **مهر المثل** ثابت می‌گردد. از برخی **قدما** در این فرض، ثبوت یک سوم **دیه** نقل شده است.^[۷۳]

پانویس

- ↑ جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۷۲.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۷۳.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۸۱-۲۸۲.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱.
- ↑ الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۳۶۱-۳۶۲.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۵.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۱.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۸.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۵۳-۵۴.
- ↑ المبسوط، ج ۱، ص ۹۷.

- ↑ ۱۱. مستند الشيعة، ج ۵، ص ۴۰۲.
- ↑ ۱۲. جواهر الكلام، ج ۹، ص ۲۸۲.
- ↑ ۱۳. جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۶۹-۷۵.
- ↑ ۱۴. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۵۴۶.
- ↑ ۱۵. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۲۷۵.
- ↑ ۱۶. جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۱۸۲.
- ↑ ۱۷. جواهر الكلام، ج ۱۱، ص ۲۵۷.
- ↑ ۱۸. جواهر الكلام، ج ۱۱، ص ۳۴۵.
- ↑ ۱۹. جواهر الكلام، ج ۱۲، ص ۳۲۶-۳۲۹.
- ↑ ۲۰. جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۱۴۹-۱۵۱.
- ↑ ۲۱. جواهر الكلام، ج ۳، ص ۲۵۱.
- ↑ ۲۲. جواهر الكلام، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۷۵.
- ↑ ۲۳. جواهر الكلام، ج ۸، ص ۱۱۰-۱۲۰.
- ↑ ۲۴. جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۱۵.
- ↑ ۲۵. جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۳۲۲.
- ↑ ۲۶. جواهر الكلام، ج ۳، ص ۲۵۱.
- ↑ ۲۷. جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۳۲۳.
- ↑ ۲۸. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۵۱.
- ↑ ۲۹. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۸۹.
- ↑ ۳۰. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۰۵.
- ↑ ۳۱. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۵۰.
- ↑ ۳۲. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۸۹.
- ↑ ۳۳. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۳۷۲-۳۷۱.
- ↑ ۳۴. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۵۰.
- ↑ ۳۵. الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۱۱۹.
- ↑ ۳۶. مستند الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۷۲.
- ↑ ۳۷. المبسوط، ج ۱، ص ۲۵۶.
- ↑ ۳۸. جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۷۷.
- ↑ ۳۹. مناسك حج (مراجع)، ص ۲۸۰.
- ↑ ۴۰. مناسك حج (مراجع)، ص ۲۹۵.
- ↑ ۴۱. جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۲۳۶.
- ↑ ۴۲. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۸۰-۸۵.
- ↑ ۴۳. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۴.
- ↑ ۴۴. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۵۶.
- ↑ ۴۵. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۲۳۶.
- ↑ ۴۶. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۳۰۰-۳۰۲.
- ↑ ۴۷. جواهر الكلام، ج ۲۲، ص ۴۸-۵۰.
- ↑ ۴۸. جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۲۸-۴۲.
- ↑ ۴۹. توضيح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۴۲.
- ↑ ۵۰. توضيح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۹۷۹.
- ↑ ۵۱. جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۷۵-۸۰.
- ↑ ۵۲. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۳۱۷.
- ↑ ۵۳. جواهر الكلام، ج ۳۲، ص ۱۸۲.
- ↑ ۵۴. جواهر الكلام، ج ۴۰، ص ۱۲-۱۴.
- ↑ ۵۵. جواهر الكلام، ج ۴۰، ص ۱۲۷-۱۲۸.
- ↑ ۵۶. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۵۴-۱۵۹.
- ↑ ۵۷. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۲۹۶-۲۹۸.
- ↑ ۵۸. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۷۰.
- ↑ ۵۹. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۷۲-۱۷۳.
- ↑ ۶۰. جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۳۴۴.
- ↑ ۶۱. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۵۹-۱۶۵.
- ↑ ۶۲. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۷۲.
- ↑ ۶۳. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۱۷۶.
- ↑ ۶۴. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۶۱۱-۶۱۲.
- ↑ ۶۵. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۴۰۱.
- ↑ ۶۶. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۲۸۷-۲۸۹.
- ↑ ۶۷. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۳۶۱.
- ↑ ۶۸. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۸۱-۸۵.
- ↑ ۶۹. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۲۲.
- ↑ ۷۰. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۳۵۲-۳۵۳.
- ↑ ۷۱. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۲۷۵.
- ↑ ۷۲. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۲۶۲.
- ↑ ۷۳. جواهر الكلام، ج ۴۳، ص ۱۷۴-۱۷۵.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ج ۴، ص ۲۸۶-۲۹۲.

